

پیوست و تکملاً مقاله

«نکاتی در باب ساختار و نسبت

دو کتاب المُلَخَّص و الذَّخِيرَة

شریف مرتضیٰ

نقد و بررسی کتاب

دکتر حمید عطائی نظری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



۱. تذکار و توضیح

پیش از چاپ مقاله‌ای که زیر عنوان «نکاتی در باب ساختار و نسبت دو کتاب المُلَخَّص و الذَّخِيرَة شریف مرتضیٰ» در معرض دید و داوری خوانندگان قرار گرفت، اینجانب نسخه‌ای از آن را در اختیار استاد دانشمند آقای دکتر حسن انصاری قرار دادم تا درباره آن اظهار نظر کنند. از آنجا که ایشان رأی دیگری در خصوص برخی مطالب و موضوعات مطرح در آن مقاله داشتند، یادداشتی در صفحه بررسی‌های تاریخی سایت کاتبان، زیر عنوان «کتاب التعلیق مقرر نیشابوری در کلام و بحثی درباره المُلَخَّص و الذَّخِيرَة تألیف شریف مرتضیٰ» نگاشتند و نظر خود را در خصوص موضوعات مورد بحث ابراز نمودند. با توجه به ارتباط وثیقی که مطالب بیان شده در آن یادداشت با مقاله بنده داشت، با کسب اجازه از ایشان، آن یادداشت کاتبانی در صفحه پیش به طور کامل نقل گردید تا خوانندگان از نظر آن استاد محترم و همچنین برخی فواید مورد اشاره ایشان که در نوشتار بنده بدان‌ها اشاره نشده است بهره‌مند شوند. در اینجا اهم موارد مورد اختلاف میان نظر ایشان و عقیده راقم این سطور در خصوص مسأله یاد شده بیان می‌شود و چند ملاحظه دیگر در باب این موضوع به محضر خوانندگان تقدیم می‌گردد با این امید که جستار حاضر زوایای گونه‌گون مسأله را بیشتر روشن نماید.

چکیده: نویسنده در نوشتار زیر، نقطه نظرات دکتر حسن انصاری را در خصوص مقاله خود تحت عنوان «نکاتی در باب ساختار و نسبت دو کتاب المُلَخَّص و الذَّخِيرَة شریف مرتضیٰ» ارائه می‌دهد. دکتر انصاری پیرامون برخی مطالب و موضوعات مطرح در آن مقاله، یادداشتی در صفحه بررسی‌های تاریخی سایت کاتبان، نگاشته بودند. نویسنده نوشتار مذکور، برخی فواید مورد اشاره دکتر انصاری را که در مقاله خود بدان‌ها اشاره نکرده است نقل می‌کند. همچنین اهم موارد مورد اختلاف میان نظر دکتر انصاری و خود را در خصوص مسأله یاد شده و نیز چندین ملاحظه دیگر، بیان می‌دارد. کلیدواژه‌ها: کتاب المُلَخَّص، کتاب الذَّخِيرَة، شریف مرتضیٰ علم الهدی، علم کلام.

۲. مقایسه و سنجش

چنان که ملاحظه فرمودید دیدگاه جناب دکتر انصاری با آنچه راقم این سطور در مقاله بیان کرده ام مشترکاتی و در عین حال تفاوت‌هایی دارد. برای روشن تر شدن این اختلافات بیان نکات زیر ضروری می‌نماید:

۱. طبق نظر آقای دکتر انصاری بخش‌های اولیه کتاب الذخیره که عمدتاً به ابواب توحید و عدل (و نیز بحثی درباره «نظر») مربوط می‌شده، از سوی شریف مرتضی تألیف شده بوده ولی پسان‌تر با جایگزینی المخلص (که مباحث توحید و عدل را به تفصیل دارا بوده)، آن بخش‌های نخستین الذخیره توسط شریف مرتضی یا به درخواست وی حذف شده است. دلایل دکتر انصاری بر این فرضیه آن است که:

اولاً: از آنجا که رسم معمول در تألیف آثار کلامی، آغاز املاء کتب از ابتدای مباحث کلامی، یعنی بحث توحید بوده است، به طور حتم شریف مرتضی می‌بایست املاء الذخیره را نیز با بحث توحید شروع کرده باشد و این امر قابل تردید نیست و نیاز به دلیل خاصی هم ندارد.

ثانیاً: شریف مرتضی در خلال مباحث الذخیره به این نکته اشاره کرده که برخی از مباحث مربوط به توحید و عدل را در این کتاب بیان کرده است، بنابراین الذخیره لزوماً در اصل، حاوی بخش‌هایی در توحید و عدل نیز بوده است، گویانکه این مباحث بعداً در نسخه ترکیبی شریف مرتضی از المخلص و الذخیره (یعنی نسخه‌ای که در آن المخلص به آغاز الذخیره افزوده شده بوده) حذف شده است.

این بنده را البته در این موضوع نظری دیگر است. به گمانم احتمالاً شریف مرتضی مباحث توحید و عدل را با توجه به اینکه همزمان در حال تقریر مفصل همان مباحث در المخلص بوده، دیگر در آن مقطع در الذخیره مطرح نکرده بوده - (شاید به این قصد که پس از اتمام سایر مباحث در الذخیره، بعدها تحریر مجملی هم از مباحث توحیدی و عدلی به آن کتاب اضافه کند که البته این امر پسان‌تر به سبب اضافه شدن المخلص به آغاز الذخیره عملاً بی‌فایده تلقی شده و از اصل منتفی گشته است و بنابراین شریف مرتضی بر حسب ظاهر هیچ‌گاه برای الذخیره به طور جداگانه مباحثی در باب توحید ننوشته بوده است) - ، بلکه الذخیره را از مباحث «معارف و نظر» شروع کرده بوده است.

دلیل - یا دست کم شاهد - بر این ادعا آن است که شیخ طوسی، چنان که در مقاله عین کلام وی نقل شد، تصریح نموده که شریف مرتضی الذخیره را با بحث «نظر» آغاز کرده است. بنابراین روشن است که آغاز الذخیره در اصل با بحث «معارف و نظر» بوده و نه با بحث توحید و عدل. گویانکه بعدها با اضافه شدن ابوابی به آغاز الذخیره (یعنی همان ابوابی که شریف مرتضی پس از پایان المخلص، ضمیمه

طبق نظر آقای دکتر انصاری بخش‌های اولیه کتاب الذخیره که عمدتاً به ابواب توحید و عدل (و نیز بحثی درباره «نظر») مربوط می‌شده، از سوی شریف مرتضی تألیف شده بوده ولی پسان‌تر با جایگزینی المخلص (که مباحث توحید و عدل را به تفصیل دارا بوده)، آن بخش‌های نخستین الذخیره توسط شریف مرتضی یا به درخواست وی حذف شده است.

نسخه ترکیبی المخلص و الذخیره حذف شده است و در نتیجه اکنون نشانی از آن بحث در نسخ الذخیره وجود ندارد.

این رأی دکتر انصاری البته می‌تواند قابل پذیرش باشد؛ یعنی اینکه مباحث نظریک بار در آغاز کتاب الذخیره به نحو مختصر مطرح شده باشد (و اشاره شیخ طوسی مبنی بر شروع الذخیره با بحث «نظر»، ناظر به همین بخش باشد) و یک بار هم به تفصیل در «باب معارف و نظر». همان‌گونه که شیخ طوسی نیز چنین کاری را در تمهید الاصول انجام داده؛ یعنی در آغاز این کتاب بحثی مختصر در باب «وجوب نظر و اندیشه» آورده و پس از آن در باب «معارف» به تفصیل، به همان مباحث پرداخته است. اشاره مجدد به کلام شیخ طوسی در تمهید الاصول (ص ۲) خالی از فایده نیست:

وأنا أذكر فصلاً مختصراً في أول الكتاب على ما جرت به العادة وعلى ما ذكره في الذخيرة والمخلص وأذكر قبل الشروع في أن النظر أول واجب بيان حقيقة الواجب والفرق بينه وبين غيره من أقسام الأفعال ثم أبين أن النظر واجب وأبين بعده أنه أول واجب فرع على العلم بانه واجب وأذكر من ذلك جملاً يتنفع بها واطرک استيفائه الى انتهائنا الى الكلام في المعارف.

با این وصف لازمه پذیرش فرضیه یادشده آن است که قبول کنیم شیخ



به گمانم احتمالاً شریف مرتضی مباحث توحید و عدل را با توجه به اینکه همزمان در حال تقریر مفصل همان مباحث در الملخص بوده، دیگر در آن مقطع در الذخیره مطرح نکرده بوده

طوسی تنها به نسخه اصلی الذخیره و تحریر نخستین آن دسترسی داشته است؛ یعنی همان نسخه ای که حاوی مباحثی فشرده در باب «نظر» و نیز «توحید و عدل» بوده است و از نسخه ترکیبی الملخص و الذخیره - به تعبیر دکتر انصاری - که خود شریف مرتضی تدارک دیده بوده و در آن مباحث فشرده مربوط به باب «نظر» و «توحید و عدل» حذف کرده بوده است، اطلاعی نداشته است یا به آن توجهی نکرده است. این امر با توجه به اینکه شیخ طوسی شاگرد خاص شریف مرتضی بوده است، اندکی بعید به نظر می رسد.

افزون بر این شاهد دیگری در دست است دال بر اینکه شروع املاء الذخیره با بحث نظرو مطالب مطرح در «باب الکلام فی المعارف و النظر» بوده است. چنان که در مقاله نیز خاطر نشان کردیم، سدیدالدین حمصی رازی در المنقذ من التقلید در یک موضع با عنوان ارجاع به «ابتدای الذخیره / اول الذخیره» به مطلبی اشاره کرده که هم اکنون در «باب الکلام فی المعارف و النظر» از الذخیره شریف مرتضی قابل ردیابی است. نص عبارت حمصی چنین است:

«وقد تحرز سیدنا المرتضی علم الهدی - رضي الله عنه - من إرادة النظر في أول الذخیره بأن قال: أول فعل مقصود يجب على المكلف الكامل العقل، وفي هذا تسليم وجوب إرادة النظر»^۱.

اگرچه عبارت «أول فعل مقصود يجب على المكلف الكامل العقل» اکنون عیناً در «باب الکلام فی المعارف و النظر» از کتاب الذخیره در صورت کنونی آن مشاهده نمی شود، اما مضمون آن با کلماتی بسیار نزدیک به همین عبارت در آن وارد شده است.^۲ عبارت موجود در «باب الکلام فی المعارف و النظر» از الذخیره بدین قرار است:

فان قيل فما الدليل على ان النظر في طريق معرفة الله عزوجل أول الواجبات؟ قيل: العبارة المجردة في هذا أن نقول: إن أول ما يجب من الأفعال المقصودة التي لا يعرى من كمل عقله منها النظر في طريق معرفة

الله تعالى، وقلنا: «ما يجب من الأفعال» احترازاً من وجوب التحرز من القبائح العقلية كالظلم وما أشبهه، وشرطنا «القصد» احترازاً من إرادة النظر، لأنها غير مقصودة في نفسها، وهي تابعة للنظر»^۳.

چنان که ملاحظه شد به راحتی می توان عبارت «أول فعل مقصود يجب على المكلف الكامل العقل» در نقل قول حمصی را اشاره به «أول ما يجب من الأفعال المقصودة التي لا يعرى من كمل عقله منها» در کلام شریف مرتضی دانست و عبارت «وقد تحرز سیدنا المرتضی علم الهدی - رضي الله عنه - من إرادة النظر» در همان نقل قول را اشاره به قسمت «و شرطنا «القصد» احترازاً من إرادة النظر» در سخن سید تلقی کرد. بر این اساس می بینیم که گفتاورد حمصی از «أول الذخیره» مطابقت دارد با آنچه که در «باب الکلام فی المعارف و النظر» الذخیره آمده است و این حاکی از آن است که باب نامبرده در آغاز الذخیره واقع شده بوده، آن گونه که نظر ما بر آن است.

حال اگر بخواهیم از این فرضیه دست برداریم و اشاره حمصی را این بار نیز نه به مطلب موجود پیشگفته در «باب الکلام فی المعارف و النظر» الذخیره، بلکه به مطلبی بدانیم که احتمالاً در فصلی مختصر درباره «نظر» در آغاز الذخیره مطرح شده بوده و اکنون در نسخ در دسترس الذخیره به خواست مرتضی حذف شده است، آن گاه باید بپذیریم که حمصی هم مثل شیخ طوسی - طبق نظر دکتر انصاری - به نسخه غیر ترکیبی، یعنی تحریر نخستین الذخیره که حاوی ابوابی در باره نظر، توحید و عدل بوده - دسترسی داشته بوده است. این در حالی است که جناب دکتر انصاری خاطر نشان کرده اند «حمصی گویا نسخه ترکیبی یاد شده را تنها در اختیار داشته است».

اما دلیل دوم جناب آقای دکتر انصاری بر اینکه شروع الذخیره با مباحث توحید و عدل بوده، - چنان که گفتیم - ارجاعاتی است که در خلال الذخیره به این قبیل مباحث شده است. آن گونه که بنده در مقاله ام مواردش را بر شمرده ام، در الذخیره ارجاعاتی به مباحث مربوط به توحید و عدل مندرج در صدر این کتاب شده است که اکنون در الذخیره اثری از آنها نیست. به عقیده دکتر انصاری همین ارجاعات - که در بیشتر موارد علی القاعده باید به خود الذخیره باشد - نشان می دهد که این کتاب در آغاز و در تحریر نخستینش مشتمل بر ابوابی در توحید و عدل بوده است که البته در نسخه ترکیبی شریف مرتضی بعداً حذف شده است.

۳. این قسمت از الذخیره در چاپ فعلی آن به تصحیح آقای اشکوری در ص ۱۷۰ در قالب عبارتی

بس مغلوط و نامفهوم به شکل زیر آمده است:

«فان قيل: فما الدليل على أن النظر في طريق معرفة الله تعالى - المقصودة التي لا يعرى من كمل عقله منها - النظر في طريق معرفة الله تعالى. قلنا: ما يجب من الأفعال احترازاً من وجوب التحرز من القبائح العقلية كالظلم وما أشبهه. وشرطنا القصد احترازاً من إرادة النظر، لأنها غير مقصودة في نفسها، وهي تابعة للنظر». به همین دلیل، عبارت مورد نظر در بالا، از روی نسخه کهن سنت پترزبورگ الذخیره (عکس ۱۲۴) نقل گردید که حاوی ضبط صحیح است.

۱. حمصی رازی، سدیدالدین؛ المنقذ من التقلید؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. می دانیم که نقل به مضمون عبارات و نظریک نویسنده، بخصوص در جایی که عقیده و کلام آن نویسنده در نوشته اش در قالب پرسش و پاسخ بیان شده باشد، امری مرسوم در میان عالمان بوده است. بنابراین اگرچه در بحث کنونی، ظاهر عبارت حمصی آنست که در حال نقل عبارات مرتضی به نحو مستقیم است، اما از آنجا که - چنان که گفتیم - نقل به مضمون عبارات و آراء یک نویسنده امری مرسوم و رایج بوده، این ظاهر مانع از آن نیست که عبارت حمصی را نتوانیم ناظر به مطلب و پرسش و پاسخی که در الذخیره آمده است بدانیم.

الذخيرة طبق فرضیه ما است - تا اواسط الذخيرة (شاید تا ابتدای «الكلام فی النبوات» در صفحه ۳۲۲)، اما به عقیده دکتر انصاری، اشاره شریف مرتضی و شیخ طوسی به مباحث مجمل در آغاز الذخيرة، در واقع به همان مباحث توحیدی و عدلی است که شریف مرتضی نخست آنها را در تحریر اولیه اش از الذخيرة آورده بوده، ولی بعداً در نسخه ترکیبی اش حذف کرده است. در اینجا باز جای این پرسش هست که چرا باید شریف مرتضی در پایان الذخيرة به مجمل بودن مطالبی اشاره کند که آنها را حذف کرده یا در صدد حذف آنها بوده است؟ می دانیم که قصد افزودن الملخص به الذخيرة زمانی صورت گرفته است که املاء الذخيرة هنوز تمام نشده بوده است. اکنون اگر حذف قسمت های مجمل نخستین الذخيرة در باب توحيد و عدل و افزوده شدن الملخص به جای آنها پیش از پایان املاء الذخيرة صورت گرفته باشد، چرا باید شریف مرتضی در آخر الذخيرة اظهار نماید که بین اوائل و اواخر این کتاب از حیث اجمال و بسط مطالب تفاوت هست؟ سخن پایانی سید مرتضی در الذخيرة در باب اجمالی بودن مطالب آغازین این کتاب نمی تواند ناظر به آن قسمت محذوف در باب توحيد و عدل بوده باشد، چون منطقی نیست درباره قسمتی که حذف شده و الملخص جایگزین آن شده - یا دست کم بنای چنین کاری بوده - است، چنان و صافی در پایان کتاب گفته شود. بله اگر افزوده شدن الملخص و حذف قسمت های اولیه الذخيرة پس از اتمام املاء الذخيرة باشد، آن گاه می توان این سخن پایانی مرتضی در الذخيرة را ناظر به آن بخش مجمل محذوف در باب توحيد و عدل الذخيرة دانست. در این صورت دیگر نمی توانیم تحریر در دسترس کنونی از الذخيرة را همان نسخه ترکیبی بدانیم؛ یعنی نسخه ای که - به نظر دکتر انصاری - الملخص به آغاز الذخيرة افزوده شده و ابواب توحيد و عدل آن حذف گردیده است؛ زیرا مجمل بودن نیمه نخست الذخيرة ناظر به مباحث توحيد و عدل الذخيرة بوده که در نسخه ترکیبی - بنا به گفته دکتر انصاری - حذف شده بوده است. این در حالی است که به وضوح، نسخ موجود از الذخيرة - از جمله نسخه کهن سنت پترزبورگ از این کتاب که تاریخ کتابت آن (۴۷۲) به دوازده سال پس از وفات شیخ طوسی (۴۶۰ م) بازمی گردد - نسخه هائی ترکیبی از الذخيرة اند؛ یعنی نسخی هستند که فاقد بخش های نظر، توحيد و عدل اند و به جای آنها مباحث مطرح در جزء چهارم الملخص درج شده است. در هر حال مشکل است که از یکسو نسخه های موجود از الذخيرة را نسخ ترکیبی لحاظ کنیم و از سوی دیگر سخن پایانی مرتضی در الذخيرة مبنی بر مجمل بودن مباحث آغازین آن را ناظر به مباحث محذوف بدانیم.

به گمان راقم این سطور تنها در صورتی می توان سخن پایانی سید مرتضی را ناظر به مباحث توحيد و عدلی مجمل محذوف دانست که بپذیریم پس از اتمام املاء الذخيرة، نسخه ای از الذخيرة در دست بوده

اما راقم این سطور را گمان بر آن است که ارجاعات مورد گفت و گو به مباحث توحیدی و عدلی، مربوط به مباحث توحيد و عدل مطرح شده در الملخص است، آن گونه که در مقاله ام - به قراری که گذشت - به پیجویی آن موارد در الملخص پرداختم و نشانی آنها را در این کتاب به دست داده ام.^۴ به عقیده بنده تعبیر شریف مرتضی در الذخيرة که در چنین مواردی گفته است این مباحث را در صدر این کتاب آوردم، ناظر به مباحث بیان شده در الملخص است. در واقع از آنجا که وی الملخص و الذخيرة را یک اثر مجموعی می پنداشته است، اشکالی نداشته که در الذخيرة بگوید فلان مبحث را در آغاز این کتاب ذکر کرده است، در حالی که آن موارد نه در خود الذخيرة، بلکه در الملخص که به الذخيرة اضافه شده بوده است موجود است. در حقیقت آن گونه که در مقاله اشاره کردم، تقریباً از نیمه الذخيرة به بعد که با توجه به انصراف مرتضی از ادامه املاء الملخص آن با بسط بیشتری دنبال شده است، قصد شریف مرتضی اضافه کردن الملخص به الذخيرة بوده است. در این صورت اگر آنچنان که دکتر انصاری معتقدند، شریف مرتضی در صدد حذف آن قسمت های نخستین مربوط به توحيد و عدل و جایگزینی الملخص به جای آنها بوده، دیگر ارجاع به آن موارد محذوف در نسخه ترکیبی معنا و مفهومی نخواهد داشت؛ یعنی منطقی به نظر نمی رسد که در نسخه ترکیبی، شریف مرتضی ارجاع به مباحثی در توحيد و عدل بدهد که عملاً از آن نسخه ترکیبی خود از الذخيرة حذف کرده یا در پی حذف آنها بوده است.

مشکل یاد شده در مورد دیگری هم رخ می نماید. چنان که گفتیم در آخر الذخيرة، شریف مرتضی تصریح می کند که بین ابتدا و انتهای مباحث مطرح در این کتاب از حیث اختصار و بسط مطالب تفاوت هست؛ یعنی تقریباً در نیمه نخست کتاب، مطالب بگونه مجمل بیان شده؛ - زیرا بنا بوده که تفصیل آنها در الملخص بیاید، ولی پس از انصراف سید از ادامه املاء الملخص، مطالب مندرج در نیمه دوم کتاب، با بسط بیشتری ادامه پیدا کرده است. شیخ طوسی هم در تمهید الاصول - آن گونه که در مقاله نقل کردیم - تصریح می کند که نیمه نخست الذخيرة مجمل است و محتاج شرح و بسط. به گمان راقم این سطور بر اساس شواهدی که در متن مقاله ارائه کردم، مباحث آغازین مجمل مورد اشاره شریف مرتضی در پایان الذخيرة، هم اکنون در الذخيرة موجود است و در واقع عبارت است از مباحث مندرج از «باب الکلام فی المعارف و النظر» در صفحه ۱۵۴ - که ابتدای اصلی

۴. گفتنی است که آقای دکتر انصاری در همین یادداشت منقول خودشان پذیرفته اند که درباره ای از این ارجاعات، ارجاع به مباحث خلاصه وار ابتدای الذخيرة نمی توانسته باشد، بلکه آنها اشاره به مباحث توحیدی و عدلی موجود در الملخص بوده است. عبارت ایشان چنین است: «بدین ترتیب می بینیم که در مطاوی کتاب الذخيرة هر جا به مباحث قبلی می خواهد ارجاع دهد، آنچه مد نظر او بوده، ظاهراً دست کم در مواردی، نه بخش های آغازین کتاب الذخيرة که اصولاً منتهی خلاصه مانند بوده، بلکه در واقع متن الملخص بوده است، چرا که آن را در واقع بخشی از کتاب ترکیبی الملخص - الذخيرة فرض می کرده است.»

و این بخش بعدها طبق خواست وی به نسخه‌ها افزوده شده و همان نُسخ نیز به دست ما رسیده است). این در حالی است که طبق نظر دکتر انصاری، از نُسخ فعلی الذخیره - [از جمله نسخه کهن سن پترزبورگ مورخ ۴۷۲ هجری قمری] - گذشته از فصول و ابواب مربوط به توحید و برخی مباحث عدل، سه جزء المملخص که قرار بوده جایگزین مباحث مختصر توحیدی و عدلی الذخیره شود و نیز بخش‌هایی از جزء چهارم المملخص سقط شده است. (نُسخ در دسترس الذخیره همگی فاقد ابواب توحید و برخی از مباحث عدل است، افزون بر اینکه واجد بیشتر فصول جزء چهارم المملخص است. بنابراین این نسخ نمی‌توانسته نسخه‌هایی از تحریر نخستین الذخیره باشد که واجد ابواب توحیدی و عدلی بوده و هنوز چیزی از المملخص هم بدان‌ها اضافه نشده بوده است. بنابراین نسخه‌های الذخیره هم باید نسخه‌هایی ترکیبی از المملخص و الذخیره باشند). افزون بر این عبارت «و اذا جمع بین ما خرج من کتاب المملخص و جعل ما انتهى إليه كأنه لهذا الكتاب» که شریف مرتضی در بخش پایانی الذخیره گفته است «و اذا جمع بین ما خرج من کتاب المملخص و جعل ما انتهى إليه كأنه لهذا الكتاب وجد بذلك الکلام في جميع ابواب الاصول مستوفی مستقصی»، دلالت دارد بر اینکه به این نسخه الذخیره هنوز المملخص اضافه نشده بوده است. عبارت یادشده از مرتضی مبنی بر اینکه اگر آنچه در المملخص آمده به همراه قسمت نهایی آن که در حکم جزئی از این کتاب (الذخیره) است به الذخیره افزوده شود، آن‌گاه مجموعه کاملی از ابواب کلامی حاصل می‌شود، در صورتی معنا دارد که نسخه شریف مرتضی از الذخیره واجد المملخص نباشد؛ چرا که اگر المملخص به این نسخه افزوده شده بود، دیگر معنا نداشت شریف مرتضی بگوید در صورتی که المملخص در کنار الذخیره قرار داده شود، مجموعه کاملی از ابواب کلامی شکل خواهد گرفت.

۳. صرفاً به عنوان یک مؤید - و نه دلیل قطعی - می‌توان گفت که اساساً الحاق المملخص به الذخیره در صورتی که الذخیره خودش دارای ابواب کاملی بوده و بخش‌های توحید و عدل را نیز شامل می‌شده است، نباید وجه خاصی داشته باشد. این الحاق ظاهراً در صورتی وجیه است که هر دو کتاب دارای نواقصی باشد که با الحاق آن دو به یکدیگر نقصان آنها برطرف گردد. آقای دکتر انصاری بر آنند که «شریف مرتضی به دلیل تعلق خاطری که به کتاب المملخص داشته، لازم دیده بوده نقص کتاب را از طریق تغییر برنامه کتاب الذخیره جبران کند»، اما به نظر من صرف «تعلق خاطر به المملخص» نمی‌توانسته به تنهایی دلیل الحاق الذخیره به المملخص باشد. در حقیقت اگر الذخیره دارای ابواب توحید و عدل می‌بود و کتاب کاملی به حساب می‌آمد، از برای شریف مرتضی ظاهراً دلیلی و انگیزه‌ای وجود نداشته که المملخص را به الذخیره ملحق سازد. خصوصاً اگر این الحاق - طبق نظر جناب آقای

که در آن مباحث مجمل مربوط به نظر، توحید و عدل همچنان وجود داشته و هنوز المملخص بدان افزوده نشده بوده است و سخن یادشده از علم الهدی هم با توجه به همین نسخه ابراز شده است. نیز همین نسخه در دسترس شیخ طوسی بوده که گفته نیمه نخست الذخیره؛ یعنی همان مباحث مجمل مربوط به «نظر»، توحید و عدل مختصر و نیازمند شرح است. همچنین با توجه به این نسخه غیر ترکیبی از الذخیره است که شیخ طوسی آورده الذخیره با بحث «نظر» شروع شده است. نسخه یادشده احتمالاً تا قرن شش و هفت باقی مانده و بدست حتمی رازی رسیده و بر اساس آن او نیز بیان کرده که بحث «نظر» در آغاز الذخیره مطرح شده است. در این میان یک نسخه ترکیبی هم پس از اتمام املاء الذخیره توسط شریف مرتضی یا شاگردان او فراهم آمده که در آن - طبق نظر آقای دکتر انصاری - مباحث مجمل نظر، توحید و عدل حذف شده و به جای آنها چهار جزء المملخص قرار گرفته و به عقیده بنده، به احتمال قوی تر، فقط جزء چهارم المملخص که شریف مرتضی در آخر المملخص حکم به الحاق آن جزء به ابتدای الذخیره کرده است، به آغاز الذخیره (بی آنکه چیزی از ابتدای کتاب حذف گردیده باشد) افزوده شده است. این در حالی است که از آن نسخه غیر ترکیبی هیچ نشانی نیست و همه نسخ موجود از الذخیره همگی ترکیبی و فاقد بخش توحید و عدل اند.

۲. به عقیده جناب دکتر انصاری، نسخه مجلس از المملخص از روی نسخه‌ای نوشته شده که به تعبیر ایشان نسخه ترکیبی؛ یعنی ترکیبی از المملخص و الذخیره بوده است. لازمه نظرایشان آن است که از نسخه مجلس، کل کتاب الذخیره - به جز قسمتهایی از جزء چهارم المملخص که بنا بوده به الذخیره اضافه شود و در این نسخه آمده - افتاده باشد.

اما به گمان راقم این سطور، نسخه مادر المملخص که نسخه مجلس از روی آن نوشته شده، تنها شامل سه جزء المملخص به همراه تمام جزء چهارم المملخص که می‌بایست به آغاز الذخیره افزوده شود بوده است و بر این اساس، قسمت افتاده از نسخه کنونی مجلس فقط به اندازه مطالبی بوده که در جزء چهارم المملخص املاء شده و اکنون در نسخه مجلس وجود ندارد (عناوین این فصول را در مقاله ام در قالب جدولی مشخص کرده‌ام).

همچنین به نظر می‌رسد از نُسخ الذخیره فقط دو فصل «فصل فی افساد قولهم بالكسب» و «فصل فی ذکر ما یلزمهم علی القول بالمخلوق» افتاده است؛ یعنی دو فصلی که ضمن جزء چهارم المملخص مندرج بوده و به خواست شریف مرتضی باید به الذخیره اضافه می‌شده، اما در دست‌نویست‌های فعلی این کتاب وجود ندارند. (چنان‌که گفتیم نسخه اصلی الذخیره که در دست شریف مرتضی بوده، شامل بخش الحاقی المملخص به این کتاب - یعنی جزء چهارم المملخص - نبوده

دکتر انصاری - مستلزم اسقاط بخش‌هایی از الذخیره (یعنی همان مباحث مجمل در باب توحید و عدل) که پیش‌تر شریف مرتضی املاء کرده بوده است باشد. می‌دانیم که عالمان گذشته بر حفظ نگارش‌های خود تأکید می‌ورزیدند و چه بسا در همان مختصرات مطالبی را بیان می‌کرده‌اند که در نوشتارهای مفصل خود بدان اشاره‌ای نکرده‌اند. بنابراین اینکه شریف مرتضی اقدام به حذف مباحثی کرده باشد که خود پیش‌تر بیان کرده است - آن هم مباحثی که املاء کرده بوده و طبعاً نسخی بر اساس آن پراکنده شده بوده است - تا حدودی بعید به نظر می‌رسد. از این گذشته حذف برخی از مباحث از یک اثر اتفاق و تغییر بسیار مهمی است که اگر در الذخیره رخ داده بود، هرآینه مؤلف (یعنی شریف مرتضی) نسبت به آن تذکار می‌داد، در حالی که در هیچ کجا اشاره‌ای به حذف برخی از ابواب این کتاب نشده است. به هر حال شریف مرتضی می‌توانسته بی‌آنکه ابواب پیش‌تر املاء شده در باب توحید و عدل الذخیره را حذف کند، به املاء مبسوط‌تر مباحث بعدی الذخیره بپردازد و خوانندگان را برای تفصیل مطالب مربوط به توحید و عدل به الملخص ارجاع دهد؛ کاری که نمونه‌های بسیاری در میان آثار قدما دارد.

۴. برخلاف نظر جناب دکتر انصاری که معتقدند «اظهارات کتاب نسخه مجلس (یا مادر آن نسخه) را نباید کلام خود شریف مرتضی فرض کرد»، به نظر می‌رسد به احتمال قوی تقسیم‌بندی و تجزیه کتاب الملخص - با واسطه یا بی‌واسطه - از سوی خود شریف مرتضی انجام گرفته است. در واقع ظاهراً هیچ دلیل قاطعی وجود ندارد مبنی بر اینکه اظهارات پایانی هر جزء الملخص، کلام خود مرتضی (یا دست‌کم موافق با نظر مرتضی) نباشد. اگر این اظهارات کلام خود مرتضی هم نباشد، بلکه توسط کاتبی موافق با نظر خود شریف مرتضی نوشته شده باشد، باز در اصل مطلب و امکان استناد و استدلال به آن تفاوتی نخواهد داشت.

۳. نتیجه

به نظر می‌رسد در خصوص مسئله نسبت دو کتاب الذخیره و الملخص با یکدیگر و مراحل تألیف آنها هم فرضیه استاد ارجمند جناب آقای دکتر انصاری قابل طرح باشد و هم فرضیه راقم این سطور. در واقع چنان‌که گذشت هر دو نظر هم مؤیدات و شواهدی دارد و هم با اشکالاتی روبرو است. دست‌کم تا زمانی که به ادله و شواهد بیشتری در این باب دست پیدا نکنیم، اظهار نظر قطعی در این مسئله نمی‌توان کرد، اما اینکه کدام نظر قابل پذیرش‌تر و به واقع نزدیک‌تر است، بستگی به داوری دیده‌وران و خوانندگان ارجمند در خصوص ادله و شواهد ارائه شده در این نوشتار به سود یا زیان هریک از آن دو نظر دارد. والله اعلم بالصواب.

